گفتگوی دکتر یوسف قرضاوی و  
هاشمی رفسنجانی در رابطه با  
تشیع و تسنن

**برنامه:  
تلویزیون الجزیره**

**مترجم‎:‎‏  
عبدالعزیز سلیمی**

‎

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | گتفتگوی دکتر یوسف قرضاوی و هاشمی رفسنجانی در... | | | |
| **برنامه:** | تلویزیون الجزیره | | | |
| **مترجم:** | عبدالعزیز سلیمی | | | |
| **موضوع:** | عقاید کلام – اسلام و علوم و عقاید جدید – اصلاحات دینی | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc432412283)

[گفتگوی دکتر یوسف قرضاوی و هاشمی رفسنجانی در رابطه با تشیع و تسنن 1](#_Toc432412284)

گفتگوی دکتر یوسف قرضاوی و هاشمی رفسنجانی  
در رابطه با تشیع و تسنن

بینندگان گرامی! سلام و درود‎ ‎خداوند بر شما؛ در برنامه «دیداری ویژه» که شبکه تلویزیونی الجزیره ‏با هماهنگی و‎ ‎همفکری «اتحاد جهانی علمای مسلمین» آن را تجربه می‌کند به شما درود می‌‏فرستیم،‎ ‎برنامه‌ای که در آن دو شخصیت اسلامی هریک از نگاه خویش، در رابطه با مشکلاتی که‎ ‎جهان اسلام با آن روبه روست و چالش‌هایی که فرا روی آن قرار گرفته، و راه حل‌های‏‎ ‎رهایی از ‏آن‌ها و چگونگی تعامل با جهانی که گرداگرد ما قرار دارد، -بر اساس رسالت‎ ‎امّت اسلامی و وفاداری ‏نسبت به بنیان‌های آن- و در راستای وحدّت در رویکرد امّت‏‎ ‎اسلامی در شرایط سختی که در آن ‏قرار دارد، سخن خواهند گفت‎.‎

این دیدار ویژه که به طور مستقیم پخش می‌شود؛ با مشارکت استاد‎ ‎دکتر یوسف قرضاوی «رییس ‏اتحاد جهانی علمای مسلمین» و جناب شیخ هاشمی رفسنجانی «رییس‎ ‎مجمع تشخیص مصلحت ‏نظام و عضو مجلس خبرگان ایران» و بنابر فراخوانی اتحاد جهانی‎ ‎علمای مسلمین و بدنبال دیدار ‏هیئتی از اتحاد از تهران که در آن توافق شد که این دو‎ ‎شخصیت در یک دیدار مشترک مردم ‏مسلمان را مورد خطاب قرار بدهند؛‌ از خداوند بزرگ و‏‎ ‎با عظمت می‌خواهیم که این دیدار را گامی به ‏سوی وحدت صف مسلمانان، پالایش دل‌ها و‎ ‎وحدت کلمه بگرداند.‎

امیدوارم که این دو بزرگوار در برابر پرسش‌های مستقیم و‎ ‎صریح در ارتباط با مسائل مختلفی که ‏مسلمانان اعم از شیعه و سنّی از آن گله‌مندند و‎ ‎گاهی آن‌ها را عامل تحریک‌کننده و اختلاف برانگیز ‏به شمار می‌آورند، پاسخ صریح‎ ‎بدهند‎.‎

همچنین می‌خواهم توضیح بدهم که این دیدار در واقع مناظره میان این دو‎ ‎شخصیت نیست، بلکه ‏دیداری است ویژه که هریک از ایشان به بیان دیدگاه خود در ارتباط‎ ‎با مسایلی حسّاس خواهند ‏پرداخت‎.

انتظار دارم که این بزرگواران، بزرگواری فرموده‎ ‎و پرسش‌ها را در مدّت 2 تا 5/2 دقیقه به صورت ‏فشرده پاسخ بفرمایند تا بتوانیم هرچه‎ ‎بیشتر از زمان باقیمانده استفاده کنیم، زیرا از زمان مقرر برای ‏شروع برنامه اندکی‎ ‎تأخیرداشته‌ایم‎.‎

اینک با سخنان آقای هاشمی رفسنجانی به مدّت حدود 12 دقیقه‏‎- ‎و مشابه آن نیز برای اظهارات ‏دکتر قرضاوی- برنامه را آغاز می‌کنیم، بعد از آن‏‎ ‎همراه با ایشان چهار موضوع محوری را مورد ‏برّرسی قرار می‌دهیم.‎

جناب آقای‎ ‎هاشمی حضور شما را در این گفتگوی ویژه خوش آمد می‌گوییم، و منتظر شنیدن ‏سخنانتان‎ ‎هستیم، بفرمایید!

‎‎هاشمی: بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله والصلاة و‎السلام علی آله وصحبه، أعوذ بالله من ‏الشیطان الرجیم، واعتصموا بحبل الله جمیعاً‎ ‎ولا تفرقوا‎.‎

من باید از شبکۀ تلویزیونی الجزیره و همچنین از شخص جناب آقای‎ ‎قرضاوی که این برنامه را در ‏راستای پاسداری از وحدت اسلامی ترتیب داده‌اند، صمیمانه‎ ‎تشکر کنم، می‌دانم که اتحاد جهانی ‏علمای مسلمین برای وحدت مسلمین اهتمام شایانی‎ ‎دارد، و تلاش بسیاری را برای بسترسازی و ‏فراهم‌کردن امکانات برای اجرای این گفتگو‎ ‎به عمل آورده است، از خداوند مسئلت دارم که خیر و ‏برکت این دیدار را شامل حال امّت‎ ‎اسلامی بگرداند.

همۀ ما می‌دانیم که یکی از بنیان‌ها و مبانی عمومی جهت‎ ‎گسترش اسلام، پاسداری از وحدت ‏است، و چنانچه این وحدت تحقق پیدا کند، خیر و برکت‎ ‎فراگیر شامل حال تمامی مسلمانان خواهد ‏گردید و همه در آن سهیم خواهند بود. پس از‎ ‎پیروزی انقلاب ما تمامی تلاش‌های خویش را در ‏جهت توانمندی صفوف و نزدیکتر شدن مذاهب‎ ‎بکار گرفتیم. البته این راهی بود که مرحوم آیه الله ‏بروجردی و علّامه شیخ محمد عبده‎ ‎و همچنین مؤسسۀ دار التقریب پایه‌های آن را بنیان نهادند. ما ‏نیز بعد از پیروزی‎ ‎انقلاب موضوع هفتۀ وحدت اسلامی را مطرح کردیم، و این راه را ادامه دادیم. بنیانگذار جمهوری اسلامی و همچنین آیه الله خامنه‌ای مقام رهبری جمهوری اسلامی همان راه را ‏به‎ ‎صورت جدّی و با پشتکار در پیش گرفتند، و در این ارتباط پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های‎ ‎بسیاری را ‏بدست آوردیم. و تعداد زیادی از علما در کنفرانس‌ها حضور پیدا کردند، که‎ ‎می توان از جناب آقای ‏شیخ قرضاوی نام برد. همچنین تعداد زیادی از علمای مصر، تونس،‎ ‎مراکش، عراق، سوریه، ‏عربستان سعودی و تمامی کشور‌های اسلامی حضور داشته‌اند.

ما میوۀ آن تلاش‌ها را چیدیم و به یکدیگر نزدیک شدیم و از خداوند می‌خواهم‎ ‎که ما را در تقویت و ‏پاسداری از این دست‌آوردها یاری دهد. طبعاً در روزهای اخیر با‎ ‎امواجی از فتنه‌گری روبه‌رو بودیم، ‏که شاید از پاره‌ای از رویداد‌های عراق ناشی‎ ‎شده باشند، و شاید با رویدادهای دیگری مانند آنچه ‏در افغانستان و لبنان پیش آمده بی‌‎ارتباط نباشند‎.‎

تمامی آن فتنه‌ها ناشی از تلاش‌های دشمن که امواجی تازه از‎ ‎فتنه برانگیزی را به راه انداخته و ‏پاره‌ای از نگرانی‌ها را سبب شده است، که چیزی‎ ‎نمانده تمامی تلاش‌هایی را که علما در ‏گذشته در جهت وحدت به عمل آورده‌اند، ناکام و‎ ‎بی‌حاصل کند، به امید خداوند ما می‌خواهیم در ‏این برنامه در برابر آن امواج فتنه‎ ‎برانگیز ایجاد مانع کنیم‎.‎

من بر این باورم که شکست آمریکا در جهت تحقق و‎ ‎ایجاد خاورمیانۀ بزرگ که در واقع تلاش برای ‏گسترش سلطه‌گری خود بر سرزمین‌های ماست،‎ ‎با شکست روبه‌رو خواهد گردید، وجودشان در ‏منطقه و عراق تا کنون نتوانسته آنان را‎ ‎به اهدافی که دنبال می‌کردند نزدیک نماید، و حجم ‏مشکلات ایشان بیشتر شده، آنان گمان می‌کنند از طریق گسترش تفرقه در میان صفوف ‏مسلمانان می‌توانند به آن اهداف واقعیت‎ ‎ببخشند، شکست اسرائیل در جنگی که علیه لبنان به ‏راه انداخت، همچنین پیروزی که مردم‎ ‎فلسطین در انتخابات اخیر و تقویت پایه‌های مقاومت در ‏تمامی ممالک اسلامی به آن دست‎ ‎یافتند، همۀ این‌ها جزو عوامل و اموری بودند که دشمن را به ‏ایجاد تفرقه در بین‏‎ ‎مسلمانان وادار کردند، و تصمیم گرفته‌اند که به طور جدّی به چنین توطئه‌ای ‏دست‎ ‎بزنند، امّا ما فرزندان اسلام و قرآن نباید فریب بخوریم و همانگونه که در آغاز سخن‎ ‎گفتم، ‏حکم قرآنی صریحی وجود دارد که ما را از درگیری و تفرقه برحذر می‌دارد: ﴿وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡۖ﴾ [الأنفال: 46] این حکم روشن و صریح قرآنی است، از طرف خداوند به ما‎ ‎امر شده است که از ‏وحدت پاسداری کنیم، همانگونه که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ﴾ [الحجرات: 10] علمای اسلام در برابر ‏مسئولیت‌های بزرگ و به راستی مهمی قرار دارند به ویژه‎ ‎در شرایطی که با مشکلات سختی رو‏به‌رو هستیم و دشمن به دنبال ایجاد تفرقه در لبنان،‎ ‎عراق، افغانستان و دیگر کشورهاست، ‏مشکلاتی که ما‎ ‎در سودان، سومالی و دیگر ممالک با‎ ‎آنها روبه رو هستیم، حل و فصل آنها تنها از ‏طریق حفظ وحدت اسلامی ممکن‎ ‎است‎.‎

فتنه‌انگیزی‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها و تحریک احساسات میان شیعیان و سنّی‌ها در واقع جزو نغمه‏های شیطانی هستند و برماست که در برابر وسوسه‌های شیطان فریب‎ ‎نخوریم، علما و همچنین ‏مردم ایران از اعماق درون به وحدت اسلامی دل بسته‌اند، و‎ ‎صمیمانه چشم به راه تحقق آن ‏هستند. من می‌دانم که علمای اهل سنّت نیز با علمای ما‎ ‎هم دل‌اند، آنان به دنبال ایجاد تفرّق در ‏میان مسلمانان نیستند، امّا پاره‌ای از‎ ‎آدم‌های نادان وجود دارند، که اینجا و آنجا اقداماتی را صورت ‏می دهند، و سخنانی را‎ ‎مطرح می‌کنند، امّا وظیفۀ خردمندان و دانشمندان مسلمان است که فراتر ‏از عملکرد‌ها و‎ ‎سخنان افراطی‌ها و تند روها عمل کنند، آنانی که به مصالح کلّی اسلام توجه نمی‌‏کنند،‎ ‎نباید مورد اهتمام قرار بگیرند، به همین خاطر امیدوارم در این گفتگو که با جناب‎ ‎آقای قرضاوی ‏خواهیم داشت به اسلام و امّت اسلامی خدمتی بکنیم‎.‎

‎‎مجری: با‎ ‎تشکر از شما، هم اکنون به دوحه می‌رویم تا سخنان دکتر قرضاوی را بشنویم، جناب ‏شیخ‎ ‎بفرمایید‎.‎

**‎**‎دکتر قرضاوی: بسم الله الرحمن الرحیم، الحمد لله رب العالمین و‎الصلاة والسلام علی سیدنا وإمامنا واسوتنا وحبیبنا ومعلمنا رسول الله وعلی‎ ‎آله وصحبه ومن اتبع هداه‎.‎

امّا بعد: سخنانم را با تشکر از شبکۀ تلویزیونی‎ ‎الجزیره به خاطر اجابت درخواست اتحاد جهانی ‏علمای مسلمین مبنی بر اجرای این دیدار‎ ‎آغاز می‌کنم، دیداری که از خداوند می‌خواهم از راه آن ‏خیر و منافعی را ارزانی‎ ‎بدارد، همچنین به آقای هاشمی رفسنجانی درود و سلام دارم، هشت ‏سال پیش در دیداری که‎ ‎از تهران داشتم با او ملاقاتی داشتم و ضمن استقبال گرم از اینجانب یک ‏دوره کتاب‎ ‎تفسیرش را از قرآن به من هدیه دادند‎.‎

بر این باورم که اگر از این دیدار به‎ ‎صورت مطلوب استفاده بشود، پیامد‌های مطلوبی را برای امّت ‏اسلامی به دنبال خواهد‎ ‎داشت، از جناب شیخ رفسنجانی که علاوه بر اینکه روحانی برجسته‌ای ‏است از رهبران سیاسی طراز اوّل ایران به شمار می‌آید، انتظار دارم که در ارتباط با چهار موضوع‎ ‎محوری که هیئت ارسالی به تهران با مسئولین ایران در موردشان به توافق رسیده‌اند سخن‎ ‎بگوید، ‏چهار موضوع اساسی وجود دارند که لازم است در موردشان صحبت کنیم و به صراحت‎ ‎آنها را مورد ‏بررسی قرار بدهیم‎.‎

من ضمن سخنرانی در کنفرانس گفتگوی مذاهب که‎ ‎چند هفته پیش در قطر برگزار شد؛ گفتم که: ‏از دست اندرکاران تقریب بین مذاهب که نشست‌هایی را ترتیب می‌دهند و سپس پراکنده می‌‏شوند و اقدامی عملی را صورت نمی‌دهند،‎ ‎جدٌاٌ انتقاد دارم، زیرا از دست نهادن بر روی نقاط و موارد ‏حسّاس و آسیب دیده و‎ ‎رویارویی با مشکلات حقیقی دوری می‌نمایند، بسیاری از آنها گردهم می‌‏آیند و به تعریف‎ ‎و تمجید و مجامله‌گویی می‌پردازند و امور مهم را به حال خود رها می‌کنند‎.‎

به‎ ‎همین سبب قصد دارم که در این دیدار از اموری سخن بگویم که همگان اعم از شیعه و سنّی‎ ‎و ‏عموم مسلمانان از آن شکوه دارند و رنج می‌برند، یکی از آن مسایل مسألۀ تکفیر است،‎ ‎کسانی ‏هستند که حکم کفر شیعیان را صادر می‌کنند و کسان دیگری هستندکه اهل سنّت را‎ ‎تکفیر می‌‏کنند، امّا ما می‌خواهیم که اسلام محور جمع کننده میان همگان و محور وحدّت‎ ‎باشد، وقتی در ‏میان اهل سنّت کسانی هستند که شیعیان را تکفیر می‌کنند، در میان‎ ‎شیعیان نیز کسانی ‏هستند که اهل سنّت را کافر می‌دانند و شاید ایشان تندتر و بدتر از‎ ‎آن دسته از اهل سنّت تکفیری ‏هستند، در میان شیعیان اشخاصی وجود دارند که می‌گویند: ‎خدا و پیامبر و پیشوایان ما جدای از ‏خدا و پیامبر و پیشوایان اهل سنّت است، نمی‎ ‎خواهم از اشخاص نام ببرم و تنها به شیخ نعمت الله ‏جزایری و شیخ مجلسی صاحب کتاب‎ ‎بحار الأنوار اکتفا می‌کنم، نمی‌خواهیم برای تند روها و غلاّت ‏حساب خاصّی را باز‎ ‎کنیم، زیرا اگر پای خود را جای پای ایشان قرار بدهیم هیچگاه با یکدیگر کنار ‏نخواهیم‎ ‎آمد، بلکه بر روی اهل اعتدال و میانه روها باید تکیه کرد و امید بست، ما مسألۀ‎ ‎تکفیر را ‏مردود می‌شماریم، همین که همۀ ما به (لا إله إلا الله ومحمّد رسول الله) شهادت می‌دهیم، ‏شهادتی که تضمین کنندۀ احترام و پاسداری از جان و مال انسان مسلمان‎ ‎است و به سوی یک ‏قبله نماز می‌خوانیم و به وحدت اهل قبله باور داریم، کافی‎ ‎است‎.‎

این یک مسأله، مسألۀ دیگر این است که اختلافات موجود میان شیعه و اهل‎ ‎سنّت را نباید در بین ‏عامۀ مردم و بر روی منابر مساجد و اجتماعات عمومی مطرح نمود،‎ ‎بلکه اهل علم و تخصص باید به ‏بررّسی مسائل اختلافی بپردازند آن هم با تکیه بر اصول‎ ‎علمی و کارشناسی و بدور از تحریک احساسات و تشنج آفرینی و کینه توزی سیاه و‎ ‎کورکورانه، بلکه با بهره‌گیری از روح محبّت و اخوّت‎.‎

موضوع سوّم در رابطه با‎ ‎اصحاب رسول خدا ج و آل بیت است، هرچند من و تمامی مردم اهل ‏سنّت ایمان و یقین‎ ‎داریم در تمام جهان اهل سنّت حتی یک نفر هم پیدا نمی‌شود که اهل بیت را ‏دوست نداشته‎ ‎و جایگاهشان را بر روی سر خویش قرار ندهند، کدام اهل سنّت است که علی بن ‏ابی طالب‎ ‎همسر بطول و عموزادۀ رسول و شمشیر آخته اسلام را دوست نداشته باشد، کیست ‏که حسن و‎ ‎حسین قافله سالار جوانان بهشتی، زین العابدین سجّاد، ابو جعفر باقر و جعفر صادق و‎ ‎دیگران را دوست نداشته باشد، چنین کسی در میان اهل سنّت وجود ندارد‎.‎

امّا‎ ‎مشکل مواضع دوستان شیعی نسبت به اصحاب رسول خدا ج است، موضوعی که در نهایت ‏اهمیت‎ ‎قرار دارد، من هشت سال پیش هنگام دیدار از تهران، این را به دوستان ایرانی یادآور‎ ‎شدم ‏و به خاطر دارم در تمامی گردهمایی‌های که در آنها حضور یافته‌ام - از جمله‎ ‎گردهمایی تقریب در ‏رباط (پایتخت مراکش) و بحرین و دمشق - این موضوع را یادآور شده‌‎ام‎.‎

این مسألۀ مهّم و حسّاس را یادآور می‌شوم که امکان ندارد دستانم را در‎ ‎دستان شما قرار دهم و ‏احساس کنم که با هم برادریم، زمانی که من می‌گویم: أبوبکر،‎ ‎عمر، عثمان و عایشهش، امّا شما ایشان را مورد لعن و نفرین قرار‎ ‎بدهید، این غیر ممکن است، به همین خاطر لازم ‏است در این رابطه به توافق‏‎ ‎برسیم‎.‎

بهتر است برادران اهل تشیع توجه کنندکه: اصحاب پیامبر شاگردان و فارغ‎ ‎التحصیلان دانشگاه ‏رسالت و نتیجه و نهال بر زمین نهاده شدۀ مدرسه تربیتی او بوده‌اند، اگر ایشان را آماج تیر اتهامات ‏قرار بدهیم، در واقع استاد و معلّم ایشان را‎ ‎مورد اتهام قرار داده‌ایم و این بدین معنی است که او به درستی ایشان را تربیت‎ ‎ننموده است، اما سوگند به خداوند که رسول امین در تربیت‌شان بسیار ‏خوب عمل کرده و‎ ‎بسیار موفق بوده است، و ایشان برترین و بهترین نسلی‌اند که تاریخ بشری ‏شاهد آن بوده‎ ‎است. این را خداوند در هشت سوره از سوره‌های قرآن یعنی: أعراف، أنفال، توبه، نحل، حج، فتح، حشر و حدید گواهی می‌دهد. خداوند به تمام اصحاب سابقین و نسل بعد از ‏ایشان‎ ‎به ویژه سابقین نخستین و حتی کسانی که به خوبی از آنها پیروی کنند، وعدۀ خیر و رحمت‎ ‎داده، از آنان خشنود گردیده و ایشان نیز از وعده‌های خداوند خشنودند و ایشان را به‎ ‎بهشتی که از ‏زیر درختانش جویبارها جاری است وعده داده است. قرآن و احادیث، ایشان را‎ ‎مورد تعریف و تمجید ‏قرار می‌دهند. از جهت تاریخی نیز آنان بوده‌اند که قرآن را حفظ‎ ‎و جمع‌آوری نموده و سنّت را ‏برایمان روایت کرده و پیروزی‌های بزرگ را نصیبمان‏‎ ‎نمودند و اسلام را در جهان گسترش دادند، چه ‏کسانی که اسلام را به مصر و ایران وارد‎ ‎کردند؟ چه کسانی بودند ایشان را از آتش‌پرستی رهایی ‏بخشیدند و به یکتاپرستی هدایت‎ ‎کردند؟ این‌ها را همه اصحاب رسول خدا انجام دادند‎.‎

نمی‌خواهم در این ارتباط‎ ‎بیشتر سخن بگویم زیرا سخن به درازا می‌کشد و وقت مجال نمی‌دهد، ‏این موضوعی است که‎ ‎لازم است دربارۀ آن به توافق برسیم، به هرگونه توهین و کسر شأن و ‏ملامت نسبت به‎ ‎اصحاب رسول خدا باید پایان داده شود. اگر در میان اهل سنت هم کسی وجود ‏داشته باشد‎ ‎که نسبت به اهل بیت بی‌احترامی کند، باید متوقف شود‎.‎

از طرف دیگر معاهده‎ ‎مکّه پیش روی ماست، میثاقی که انتظار داشتیم مراجع درجه اوّل اهل تشیع ‏و علمای اهل‎ ‎سنّت حضور می‌یافتند و آن را امضاء می‌کردند، معاهده‌ای که در برگیرندۀ هشت ‏اصل و‎ ‎قاعده است، و ضرورت دارد همه ما تمامی آنها را بپذیریم و هیچکس را حق مخالفت با آن‏‎ ‎نباشد و مبنا و راهکاری برای ساماندهی به روابط میان شیعیان و اهل سنّت باشد. لازم‎ ‎است که ‏آن اصول را فعّال و عملیاتی کنیم، تا نتیجۀ مطلوب را بدهد و در واقعیت حاصلی‎ ‎را در پی داشته ‏باشد، موضوع دیگر رویدادهایی است که‎...‎

مجری: جناب شیخ اگر‎ ‎اجازه بدهید در لابه لای پرسش‌ها، به موارد هشت‌گانۀ مذکور خواهیم ‏پرداخت‎.

‎دکتر قرضاوی: یکی دو دقیقه به من اجازه بدهید تا موضوع دیگری را مطرح کنم، زیرا‎ ‎آنچه در عراق ‏روی می‌دهد، یکی از مهمترین مواردی است که به خاطر آن در این گفتگو‎ ‎شرکت کرده‌ایم، مساله ‏خون‌هایی که روزانه بر زمین ریخته می‌شود، و پدیدۀ قتل عام ها‎ ‎توسط جوخه‌های مرگ و ‏ملیشاها و چیز‌هایی از این قبیل که پشت سر آنها تعصبات مذهبی‎ ‎شناخته‌شده‌ای قرار دارد، این ‏مسأله‌ای محوری است عده‌ای مردم را از خانه‌ها و‎ ‎اماکن سکونت‌شان از سرزمینی که در آن به ‏دنیا آمده و خود و اجدادشان در آن زندگی‎ ‎کرده‌اند بیرون می‌کنند، مساجد بسیاری با زور از ‏صاحبانشان غصب شده‌اند، هرچند‎ ‎حسینیه‌هایی نیز اینچنین شده‌اند، امّا در مقایسه با مساجد ‏غصب شده اندکند؛ اگر می‌خواهیم صریح و بی‌پرده سخن بگوییم باید آن موارد را مورد توجه قرار‎ ‎بدهیم‎.‎

موضوع دیگر این است‎ ‎که ما با تجزیۀ ممالک اسلامی به شدّت مخالفیم،‎ ‎زیرا قدرت‌هایی که با ‏اسلام دشمنی می‌ورزند، برای تقسیم و تجزیۀ سرزمین‌های ما طرح‎ ‎و برنامه دارند، پاره پاره‌کردن ‏آن‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند، منظورم‎ ‎تجزیۀ کلّی نیست، بلکه تجزیۀ محلی و منطقه‌ای ‏است، برای مثال می‌خواهند عراق، سوریه‎ ‎و مصر را به چندین کشور کوچک تقسیم نمایند؛ این ‏موضوع به هیچوجه پذیرفتنی نیست،‎ ‎عراق همچنان به صورت کشور و مردمی یکپارچه باید باقی ‏بماند، لازم است از یکپارچگی این ملّت پاسداری شود، و تمامی طرح‌ها و برنامه‌های تقسیم‌کنندۀ عراق و دیگر کشورها‎ی اسلامی را مردود و محکوم می‌شماریم‎.‎

به همین مقدار بسنده می‌کنم و فرصت را‎ ‎برای طرح پرسش‌ها از طرف برادر محترم استاد احمد ‏در اختیار ایشان قرار می‌دهم‎.‎

‎‎مجری: با تشکر از استاد یوسف قرضاوی، اکنون به طرح پرسش‌های بسیاری‎ ‎که از قبل آماده ‏کرده‌ام می‌پردازم، امّا به خاطر سپری‌شدن بخشی از وقت ناچارم از‎ ‎تعدادی از پرسش‌ها صرف ‏نظر کنم. قبل از طرح اوّلین سؤال از شیخ رفسنجانی این پرسش‎ ‎را دارم که آیا جواب‌هایتان به ‏پرسش‌های ما بیان دیدگاه شخصی شماست یا اینکه دیگر‎ ‎مراجع و مسئولین نیز با شما هم ‏عقیده هستند؟ این را به خاطر آنکه بینندگان متوجه‎ ‎موضوع باشند می‌پرسم، لطفاً خیلی کوتاه ‏پاسخ بدهید، تا به موارد دیگر‎ ‎بپردازیم‎.‎

‎هاشمی: طبعاً من از نگاه و دیدگاه خودم صحبت می‌کنم، امّا می‎ ‎دانم در بسیاری از مسایلی ‏که در این برنامه مطرح می‌کنم؛ بسیاری از علما در ایران‎ ‎با من هم عقیده هستند‎.‎

مجری: با تشکر از شما، بگذارید از اینجا آغاز کنیم؛‎ ‎سخنان شیخ قرضاوی را در ارتباط باگردهمایی ‏مکّه، و عدم حضور مراجع بزرگ شیعه در آن‎ ‎اجتماع و خود داری ایشان از امضای معاهده، شنیدید، ‏برخی بر این باورند که عدم حضور‎ ‎ایشان مانع پیشگیری از فتنۀ موجود میان مسلمانان شد؛ موضوع ‏دیگر، مسألۀ ناسزاگویی‎ ‎به اصحاب رسول خداست، سخنان جناب دکتر قرضاوی را شنیدید، شما ‏چه می‎ ‎فرمایید؟‎

‎هاشمی: نظر من اینست که کارهایی که مردم عوام و افراطی‌های دو‎ ‎طرف انجام می‌دهند، ‏نباید باعث ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بشود؛ همۀ ما براساس‏‎ ‎دستور قرآن باید به حبل الله ‏متوسل شویم و در برابر خطراتی که امّت اسلامی را تهدید می‌نماید، بر روی وحدت اسلامیمان ‏اصرار بورزیم. و مهمترین آن خطرات اسرائیل و‎ ‎صهیونیزم و استکبار جهانی است، آنان بذر فتنه می‌‏پاشند و برخی از کشورهای ما‎ ‎مسلمانان را اشغال کرده‌اند و این را مدت‌هاست که آغاز کرده‌اند و ‏به دنبال تسلّط بر‎ ‎منابع ما هستند، به همین سبب وظیفۀ امّت اسلامی است که جمعیتی حدود ‏یکونیم میلیارد‎ ‎را تشکیل می‌دهند و حدود 60 کشور اسلامی داریم و در سازمان ملل از وزن قابل ‏توجهی‎ ‎برخوردارند، و نقاط استراتژیک و حسّاسی را در دنیا در اختیار دارند در واقع نقاط‎ ‎بسیار ‏مهّمی هستند. همچنین بهترین منابع را مانند انرژی که خداوند به آنان ارزانی‎ ‎داشته صاحب ‏هستند و قرآنی را در اختیار داریم که ما را در زندگیمان راهنمایی می‌کند‎ .‎و همچنین از سنّت پیامبر ‏و سیرۀ ائمه برخورداریم و علما و دانشمندان و دانشگاه‌ها و‎ ‎شخصیات فراوانی وجود دارند. به ‏همین سبب امّت اسلامی حق دارند قدرت بزرگی را تشکیل ‎بدهند و از امّت مسلمان دفاع نمایند. ‏ما به دنبال تعرض به دیگران نیستیم، بلکه‎ ‎هدفمان پاسداری از اسلام است؛ این هدف به وحدت ‏نیازمند است. ما نمی‌خواهیم وارد‎ ‎پاره ای از مسایل فرعی بشویم که این چنین گفت و آن چنان ‏گفت. ما در ایران خطبه‌ها و‎ ‎سخنرانی‌هایمان را با جملاتی همچون: «الحمد لله والصلاة والسلام ‏علی رسول الله و‎آله وأصحابه» آغاز می‌کنیم. تقریباً تمامی خطبا و سخنران‌ها اینگونه سخن خود ‏را‎ ‎شروع می‌کنند، ما شیعه‌ها در ایران به توحید و نبوّت و معاد ایمان داریم و هر‎ ‎انسانی این باورها ‏را داشته باشد او را مسلمان می‌دانیم و در نتیجه جان و مال و‎ ‎حیثیت او مصون و محترم است؛ و ‏به هیچ وجه نباید به حقوق و شخصیت چنین انسانی تعرض‎ ‎بشود، و چنین کاری حرام است. ‏هرچند گله‌مندی‌ها و ملامت‌هایی از دو طرف وجود‎ ‎دارد؛ ‌امّا این شرایط، شرایط ملامت و ‏بازخواست نیست، ما باید دست به دست یکدیگر‎ ‎بدهیم و از هویت اسلامی خود دفاع کنیم‎.‎

مجری: بسیار کوتاه می‌گویم که برخی از اهل سنّت می‌گویند: «‌تا زمانی که برای دوری از ‏سب صحابه فتوایی (از طرف‎ ‎مراجع) صادر نشود، نباید چنین موضعگیری و سخنانی را جدّی گرفت‎».

‎‎‎هاشمی: ‎کدام موضعگیری؟

مجری: موضعگیری در برابر توهین به اصحاب رسول خدا ‎احیاناً از طرف عوام شیعه، نمی‌گویم ‏از طرف علما؟‎

‎‎هاشمی: بارها از طرف‎ ‎علمای اسلام و علمای شیعه این موضوع مطرح شده است، به ویژه از ‏طرف مرحوم امام و‎ ‎اخیراً هم مقام رهبری در این ارتباط سخن گفتند، من بر این باورم که لازم است هردو‎ ‎طرف به این ابتکار دست بزنند و علمای طرفین چنان فتوایی را صادر نمایند و بر روی مسایل ‏اختلاف‌برانگیز دست نگذارند، مسایلی که اگر مورد توجه قرار گیرند، عامل وحدت‎ ‎نخواهند بود؛ ‏هیچگاه تفرقه سودی را عاید نخواهد کرد. و همانگونه که قرآن می‌فرماید: ‎نزاع ما را دچار شکست ‏خواهد کرد. ﴿وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡۖ﴾ [الأنفال: 46] ما نمی‌خواهیم‎ ‎که امّت اسلامی دچار ضعف شود، ‏ما پیش از هر سخنرانی از آل و اصحاب پیامبر اسم می‎ ‎بریم، پس این مناقشات به خاطر چیست؟‎

مجری: به دوحه می‌رویم و با جناب‎ ‎دکتر قرضاوی همراه می‌شویم، جناب شیخ برای آنکه اهل ‏انصاف باشیم باید یادآوری کنیم‎ ‎که: بعضی از شیعیان می‌گویند: عدّه‌ای از مسلمانان اهل‌سنّت ‏عملکردها و موضعگیری‌هایی دارند که نمی‌تواند برای در نطفه خفه‌کردن فتنه‌ها سازنده باشد. ‏برای مثال‎ ‎آنان از مسألۀ: هلال شیعی و فتواهای تکفیری از طرف برخی علما و پاره ای از مسئولین‎ ‎کشورهای اسلامی که حکم کفر اهل تشیع را صادر می‌کنند گله‌مندند، اگر شیعیان بر روی‎ ‎رویدادهای تاریخی اسلام انگشت می‌گذارند، اهل سنّت نیز بر روی حوادثی تاریخی مانند اشغال ‏بغداد (توسط هلاکوخان مغول) و ابن علقمی و نصیرالدین طوسی و... اشاره می‌کنند، این امور نیز ‏در حد خود وارد کردن اتهام است. نظر شما چیست؟ زیرا اتهام‌های‎ ‎متقابلی وجود دارند، و شیعیان ‏نیز گله‌مندی‌هایی دارند‎.‎

‎دکتر قرضاوی: می‌توانم‎ ‎به نمایندگی از طرف تمامی اهل سنّت بگویم که: ما رویدادهای تاریخی ‏را پایه باورهای‎ ‎خویش قرار نمی‌دهیم، ما از تاریخ بهره می‌گیریم، امّا آن را باری بر دوش خویش ‏قرار نمی‌دهیم، و خود را اسیر آن نمی‌گردانیم، ما بر این باوریم که اگر شیعیانی بوده‌اند که به ‏خطا رفته یا منحرف گردیده‌اند و حتّی خیانت کرده‌اند، بار گناه آنان را بر‎ ‎دوش شیعیان معاصر قرار نمی‌دهیم، زیرا قرآن به صراحت می‌فرماید: ﴿تِلۡكَ أُمَّةٞ قَدۡ خَلَتۡۖ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَلَكُم مَّا كَسَبۡتُمۡۖ﴾ [البقرة: 134] ما ‏در مورد اصحاب نیز همین باور را داریم، فرض کنیم‎ ‎که در میان اصحاب کسانی دچار اشتباه شده ‏باشند، آنان اشخاصی بوده‌اند که اکنون‎ ‎نیستند، ما فرزند زمان خویش هستیم‎.‎

در ارتباط با مسألۀ تکفیر باید گفت که: ‎تکفیر موضوعی دو جانبه شده است، امّا مهم این است که ‏بدانیم چه تعداد از اهل سنّت‎ ‎شیعه را تکفیر می‌کنند، بدون تردید اکثریت قریب به اتفاق اهل سنّت ‏به تکفیر متوسل نمی‌شوند، نباید فتوای تکفیر شیعه از طرف یکی دو نفر را بهانه قرار‎ ‎بدهیم‎.‎

آنچه در لبنان روی داد شاهد است که، اکثریت قاطع جهان اسلام از حزب‎ ‎الله حمایت کردند، زیرا ‏امکان ندارد که در برابر حزب الله از اسرائیل جانبداری‎ ‎نمایند. اگر اینجا و آنجا فتاوایی صادر می‌شود، ‏به هیچ وجه نمایندۀ رویکرد عمومی‎ ‎اهل سنّت نیست، زیرا اگر بخواهیم مردمی را بازخواست کنیم ‏لازم است بر روی رویکرد‎ ‎عمومی آن تأکید کنیم، رویکردی که بدور از چنین تکفیری است‎.‎

همچنان که گفتم: ‎ما در عرصۀ تقریب دیدگاه و دور نمودن فتنه‌هایی که عامل بدترین پراکندگی ‏هستند،‎ ‎باید به دیدگاه اهل اعتدال و میانه‌روهای دو مذهب تکیه نماییم‎.‎

‎مجری: بر‎ ‎این باورم که آقای هاشمی از اهل اعتدال و میانه‌روها هستند. اینک اجازه بدهید به‎ ‎موضوع دیگری بپردازیم، و آن این است که وقتی یک شیعی سخن می‌گوید، بسیاری از اهل‎ ‎سنّت ‏می گویند که اهل تشیع به مسألۀ تقیه اعتقاد دارند، چگونه می‌توانیم از صداقت‎ ‎آنچه که بر زبان ‏می‌آورید مطمئن شویم؟ اجازه بدهید این سؤال را هم بپرسم و آن این‎ ‎است که آیا مراجع شیعه از ‏روش تقیه بهره می‌گیرند و آن را تأیید می‌کنند؟ به خاطر‎ ‎آنکه دقیق تر سؤال را مطرح نمایم اجازه ‏بدهید متن سؤال را بخوانم، آیا در ارتباط‎ ‎با روابط میان مسلمانان تقیه مطرح است، یا در موار د ‏خاصی کاربرد دارد و در غیر آن‎ ‎جایز نیست؟‎

‎‎هاشمی: فکر می‌کنم این موضوع جزو همان چیزهایی است که دشمنان به آن دامن می‌زنند. ‏اگر زندگی خردمندان و اشخاص و حکومت‌ها و کشورها را ملاحظه‎ ‎کنید، می‌بینید که اموری وجود ‏دارند که انسان نمی‌خواهد آنها را برملا کند، ازجنبۀ‎ ‎قانونی هم می‌دانیم پاره‌ای از اسناد وجود دارند که تنها بعد از سپری شدن مدّت زمانی‎ ‎کشف آنها جایز است، این معنای خردمندانۀ تقیه ‏است‎.‎

طوری نیست که بشود برای‎ ‎هر انسانی همۀ آن چیزی را که می‌خواهد و یا در آن مصلحت نمی‌‏داند، مطرح کند، امّا‎ ‎تقیه‌ای که شیعه به آن باور دارد، برگرفته از خود قرآن و اسلام است، یعنی ما ‏نباید‎ ‎اسرار مسلمانان را برای غیر مسلمانان افشاء کنیم، حتی در بین خود شیعه نیز برخی از مسایل مطرح نمی‌شوند، زیرا در هر حکومت و هر کشوری مسایلی سرّی وجود دارند، و‎ ‎هیچکس اقدام به افشای آنها نمی‌کند. سادگی است اگر مفهوم تقیه را به تحرکات سرّی‎ ‎نادرست ‏تفسیر کنیم. تقیه‌ای که ما باور داریم موضوعی عاقلانه است و در میان شیعه و‎ ‎سنّی و تمامی ‏حکومت‌ها وجود دارد‎.‎

مجری: در این صورت تقیه دارای حکم‎ ‎مخصوص به خود است، پیش از انتقال به دوحه به طرح ‏پرسش متقابل می‌پردازم.گفته می‌شود‎ ‎که برای شیعه‌نمودن اهل سنّت یا سنّی‌کردن شیعه ‏فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد. نظر شما‎ ‎در این رابطه چیست؟ زیرا اعتراضاتی در مورد تلاش‌های ‏ایران برای شیعه‌نمودن تعدادی‎ ‎از مردم در کشورهایی که صرفاً‌ اهل سنّت هستند انجام می‌گیرد. ‏تا این موضوع را برای‎ ‎بینندگان روشن کنیم و نگرانی‌های درونی را بزداییم‎.‎

‎‎هاشمی: پرسش متوجه من‎ ‎است؟‎

مجری: بله‎.‎

‎‎هاشمی: ببینید بهترین راه برای شناساندن کار‎ ‎خوب و یا یک اندیشۀ خوب یا گرایشی صحیح، ‏عملکرد درست است، و چنین چیزی است که امکان‎ ‎بدست آوردن دل دیگران را فراهم می‌نماید، ما ‏باید درست عمل‌کردن را به دیگران نیز‎ ‎بیاموزیم، اگر منظور این باشد که ما از کار نیک و عمل صالح ‏دست برداریم، این درست‎ ‎نیست، ما باید از حق دفاع کنیم و اعمال نیک انجام بدهیم و از مظلومین ‏دفاع نماییم،‎ ‎اگر ما چنین عمل کردیم، درست است که دیگران مارا به فراخوانی و تشویق دیگران ‏متهم‎ ‎کنند؟، نه این درست نیست، من فکر می‌کنم که همه از این حق برخوردارند، امّا اگر‎ ‎بخواهیم ‏از دیگران عیبجویی نماییم و آنان را متهم کنیم این درست نیست و ما چنین نمی‌کنیم و آن را کار ‏درستی نمی‌دانیم. البته ما انتظار داریم که همگان اینگونه باشند،‎ ‎و از طریق عملکرد خود مبلغ ‏باورهای خود باشند و هریک بکوشد درست عمل کند و‎ ‎همانگونه که گفتم با عملکرد درست خود ‏دیگران را دعوت کند تا راه خویش را در پیش‎ ‎بگیرد‎.‎

مجری: شیخ یوسف در دوحه، حقیقت این است وقتی این پرسش‌ها را با‎ ‎آقای هاشمی ‏رفسنجانی مطرح می‌کنیم، این سؤال را هم از شما می‌پرسم، بسیاری از‎ ‎شیعیان می‌گویند که: ‏اهل سنّت دارای مراجع نیستند، چگونه مطمئن باشیم هنگامی که‎ ‎دربارۀ اموری به توافق رسیدیم، ‏مواد آن راه خود را میان اهل سنّت باز می‌کند، و به‎ ‎صورت عملی و واقعی در می‌آید؟ به ویژه ‏گاهی اختلافاتی در بین علمای اهل سنّت روی می‌دهد و گاهی میان علما و حکام به وجود می‌‏آید‎.‎

همچنین می‌گویند: اگر ما‎ ‎برای شیعی‌کردن تلاش می‌کنیم، اهل سنّت در پاره‌ای از کشورها ‏تلاش‌های مشابهی را‎ ‎برای سنّی‌نمودن اهل تشیع دارند. ما باید منصف باشیم، آنان همچنین می‌‏گویند: در پاره‌ای از کشورها با اکثریت اهل سنّت شیعیان از حقوق کامل برخوردار نیستند، نظر‎ ‎شما در این ارتباط چیست؟‎

‎‎دکتر قرضاوی: پیش از هرچیز می‌خواهم در مورد‎ ‎مسألۀ تقیه توضیح بدهم، درست است که در ‏قرآن به تقیه اشاره شده، امّا در ارتباط با‎ ‎غیر مسلمانان است، زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿لَّا يَتَّخِذِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۖ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ فَلَيۡسَ مِنَ ٱللَّهِ فِي شَيۡءٍ إِلَّآ أَن تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗۗ﴾ [آل عمران: 28] یعنی‎ ‎تقیه در ارتباط با غیر مسلمانان بکار گرفته شده است. آن هم به صورت استثناء بکار رفته و در عرصۀ عمل و تعامل قاعده‌ای همیشگی به شمار نمی‌آید‎.‎

این موضوع که‎ ‎اهل سنّت نیز به تبلیغ مذهب خود می‌پردازند و همچون اهل تشیع عمل می‌کنند، ‏درست‎ ‎نیست، اینکه جناب شیخ رفسنجانی می‌گوید: اگر کسی عملکرد خوبی داشته باشد لازم ‏است‎ ‎برای گسترش خیر آن را تبلیغ کند، این موضوع مورد نظر من نیست، منظور تلاش برای شیعی‌کردن سنّی و تشویق آنها به تغییر مذهب خویش است؛ یعنی از مذهبی به مذهب دیگری منتقل‎ ‎شوند، این کار زمینه‌ساز فتنه و آشوب است. من مرتبۀ قبل که دیداری از ایران داشتم‎ ‎به دوستان ‏گفتم که: در نهایت چه سودی به دست می‌آورید؟ مثلاً شما به کشوری مانند‎ ‎سودان، مصر، ‏مراکش، الجزایر، تونس و... رفته‌اید و برای گسترش تشیع در میان آنان‎ ‎تلاش کرده‌اید؛ چند نفر را می‌توانید شیعه کنید؟ 10 - 20 - 100 -1000 یا 2000 نفر،‏‎ ‎امّا به دنبال آن تمامی مردم آن کشور را ‏علیه خود خواهید شورانید آنها در برابرتان‎ ‎خواهند ایستاد و از شما بدشان خواهد آمد، چنین چیزی ‏روا نیست؛ اهل سنّت چنین نمی‌کنند، من در جریان هستم و با بسیاری از جمعیت‌های بزرگ ‏تبلیغی مانند: «سازمان جهانی‎ ‎امور خیریه»، «دعوت اسلامی کویت»، «سازمان دعوت اسلامی ‏سودان» و «جمعیت دعوت لیبی» در ارتباط هستم مطمئناً تلاش برای سنّی‌کردن شیعیان به هیچوجه در برنامۀ کاری آنان‎ ‎وجود ندارد‎.‎

مجری: اجازه بفرمایید بپرسم؛ نظر شما در مورد نگرانی اهل تشیع‎ ‎از عدم برخورداری اقلیت‌های ‏شیعی از حقوق خود در کشور‌های اهل سنّت چیست؟‎

‎‎دکتر قرضاوی: این موضوعی است که با دوستان دربارۀ ضرورت مراعات آن به توافق رسیده‌ایم، ‏یعنی برای آنکه حقیقتاً با یکدیگر به تفاهم برسیم، حقوق اقلیت‌های موجود در‎ ‎کشورهایی که ‏دارای مذهبی غیر از مذهب اقلیت هستند، باید مراعات شود، یعنی اقلیت‌های‎ ‎شیعی در ‏کشورهای اهل سنّت از تمامی حقوق خود بر خوردار باشند، همچنین اقلیت اهل‎ ‎سنّت حقوق خود ‏را در کشورهای شیعی بدست بیاورند. ممکن است پاره‌ای از دولت‌ها که‎ ‎اکثریت مردم آن اهل سنّت‌‏اند، تمامی حقوق اهل تشیع را مراعات ننمایند، امّا به‎ ‎تعدادی از شیعیان در آن کشورها مقام وزارت ‏و سفارت داده شده است، مدّتی پیش که به‎ ‎اندونزی سفر کرده بودم، ریاست هیأت دیپلماسی ‏کشورهای عربی (که با من ملاقات داشتند) یک نفر شیعی کویتی بود، در برخی از کشورهای خلیج ‏به اشخاصی از شیعیان مقام وزارت سپرده شده است‎.‎

امّا من بارها به دوستان ایرانی گفته‌ام: شما دارای جمعیت‎ ‎بزرگ 15 میلیونی از اقلیت اهل سنّت ‏هستید – هرچند خود اهل سنّت می‌گویند جمعیت ما‏‎ ‎به مراتب بیشتر از این است – در عین حال ‏حتی یک نفر وزیر هم ندارند، ما در مصر‎ ‎دارای سه وزیر قبطی هستیم که اقلیتی به مراتب کمتر از ‏اهل سنّت در ایران‎ ‎است‎.‎

اهل سنّت می‌خواهند تعدادی مسجد در تهران داشته باشند، امّا تاکنون با این درخواست ایشان ‏موافقت نشده است؛ این چیزی است که شامل دو طرف می‌شود، اگر به‎ ‎راستی می‌خواهیم ‏تمامی درها را بر روی فتنه‌گری‌ها ببندیم و آتش فتنه را که مدام به تباهی و بدی می‌انجامد خاموش ‏نماییم، باید اقلیت‌ها حق خویش را از اکثریت‎ ‎بگیرند‎.‎

مجری: جناب شیخ یوسف اجازه بفرمایید، به آقای رفسنجانی برگردیم، و‎ ‎محور دوّم را مورد ‏بررّسی قرار بدهیم. امّا خواهش می‌کنم که کوتاه پاسخ بدهید! زیرا‎ ‎زمان زیادی را برای این مناظره ‏در اختیار نداریم، محور دیگر قضیه عراق است؛ در این‎ ‎ارتباط که موضوع عراق پیش از آنکه بحرانی مذهبی باشد، مسأله‌ای سیاسی است، و شاید‎ ‎مسائل دینی به تبع و به دنبال آن مطرح شده ‏باشند. برخی بر این باورند که ایران‎ ‎موافق ادامۀ وضع کنونی در عراق است، شما در عین اینکه ‏آمریکا را اشغالگر به حساب می‌آورید می‌دانید این اشغالگران هستند که حکومتی مذهبی و ‏متعصّب را بر سر کار آورده،‎ ‎و این حکومت براساس سهمیه‌بندی‌های مذهبی به وجود آمده است و ‏اکنون نمایندۀ احزابی‎ ‎است که تعدادی از سران آنها پیشتر در ایران بوده و مورد حمایت شما قرار ‏داشته‌اند و‎ ‎اکنون هم با ایران در ارتباط‌اند؛ چگونه می‌توانید دوگانگی حمایت از امّت اسلامی از‎ ‎یک سو و حمایت از حکومتی فرقه‌گرا در عراق را از سوی دیگر توجیه کنید؟‎

‎‎هاشمی: بله پیش از اینکه در ارتباط با عراق چیزی بگویم به اظهارات جناب آقای قرضاوی‎ ‎اشاره‌‏ای بکنم، اگر بخواهم به آنچه ایشان بدان اشاره کردند بپردازم، درست در همان دامی خواهیم افتاد ‏که امریکا برای ما گذاشته و گرفتار خواهیم شد؛ ایشان در ارتباط‎ ‎با اهل سنّت به آمار و ارقامی ‏اشاره می‌کند و چیزهایی را (مانند: محرومیت اهل سنّت‎ ‎از مدیریت کشور و وجود مساجدی در ‏تهران) مطرح می‌کنند که برای آنها پاسخ‌هایی وجود‎ ‎دارد؛ امّا اگر بخواهم به آنها جواب بدهم ‏گفتگو به صورت همان چیزی که آمریکا می‌خواهد درخواهد آمد، چیزی که ما خواستارش نیستیم و ‏آمریکا و اسرائیل به دنبال آن‎ ‎هستند، و طبعاً آقای شیخ قرضاوی نیز چنین چیزی را نمی‌خواهد و نمی‌خواهیم به این‎ ‎سمت برویم‎.‎

امّا در رابطه با عراق ما دارای دیدگاه روشنی هستیم و مدام آن را‎ ‎اعلام کرده‌ایم، ما خواستار ‏یکپارچگی ارضی و وحدت مردم عراق می‌باشیم، ما می‌خواهیم‎ ‎عراق یکپارچه باقی بماند و تجزیه ‏نشود و ملّت عراق به حاکمیت ملّی خویش برسد. ما‎ ‎علاقه‌مندیم که همۀ ملیت‌ها و پیروان ‏تمامی ادیان در کنار یکدیگر در زیر پرچم و‎ ‎حکومتی واحد به زندگی مسالمت‌آمیز خود ادامه بدهند، ‏و از تمام ساز و کارهای حکومتی‎ ‎فراگیر برخوردار گردند. شیعیان به بهانۀ اینکه در گذشته مورد ستم ‏قرار گرفته‌اند و‎ ‎حکومتی سنّی ایشان را سرکوب کرده اکنون در پی انتقام‌جویی می‌باشند. ما باید ‏به‎ ‎آینده بیندیشیم، همه باید دست به دست هم بدهند، اشغالگران در عراق حضور دارند چنانچه ‏همه با هم متحد شوند، فرصتی برای اشغالگری باقی نخواهد ماند و باید اشغالگر‎ ‎را بیرون بیندازند. ‏ما و دیگر کشورهای همسایۀ عراق باید از این یکپارچگی پاسداری‎ ‎کنیم؛‌ و هر انسانی را که در ‏عراق دست به خشونت می‌زند نصیحت کنیم و کار او را‎ ‎محکوم کنیم و ملّت عراق را یاری دهیم که ‏به وظیفۀ خویش عمل کند‎.‎

مجری: اجازه بدهید یادآور شوم که بسیاری بر این باورند که: ایران در عراق دارای نقش‎ ‎امنیتی ‏است و سیستم‌های اطّلاعاتی و امنیتی ایران در آن کشور فعّال‌اند. علی رغم‎ ‎مخالفت با اشغالگر ‏در جهت ادامۀ اوضاع کنونی اقداماتی را صورت می‌دهند؛ آیا چنین‎ ‎چیزی نشانگر نوعی تضاد در ‏سیاست ایران در عراق نیست؟ همچنین ایران دارای‎ ‎موضعگیری‌های متفاوتی در ارتباط با لبنان و ‏فلسطین است. (که بعداً به آن خواهیم‎ ‎پرداخت، یعنی وقتی که در مورد قضیۀ مقاومت در عراق ‏سخن خواهیم گفت

‎‎هاشمی: کسی که این جور چیزها را مطرح می‌کند، دارد با زبان آمریکا سخن می‌گوید، ما‎ ‎به ‏هیچوجه نمی‌خواهیم در امور مربوط به عراق دخالت کنیم، و ما علاقه‌مندیم که مردم‏‎ ‎عراق خود ‏سرنوشت خویش را رقم بزنند، هیچ دلیلی وجود ندارد که ما در عراق دخالت‎ ‎داریم، در هر کجای ‏دنیا مسلمانان مشکلی داشته باشند ما به آنان کمک می‌کنیم، مگر ما‎ ‎به مردم بوسنی یاری ‏نرساندیم، آنان که شیعه نیستند، اهل سنّت‌اند، مگر ما به مردم‎ ‎فلسطین کمک نمی‌کنیم، مگر ‏مردم فلسطین شیعه‌اند! من به سبب دفاع از مسألۀ فلسطین‎ ‎شکنجه شده‌ام. قضیه بدین صورت ‏نیست، ما مدافع امّت اسلامی هستیم، وقتی از عراق دفاع می‌کنیم به عنوان کشوری اسلامی ‏به آن می‌نگریم که از طرف نیروهای آمریکایی اشغال‎ ‎شده است، ما به دنبال یاری عراق هستیم و ‏نمی خواهیم در امور داخلی آن دخالت کنیم،‎ ‎آنها خود بهتر می‌دانند امورشان را چگونه حل و فصل ‏کنند، انتخابات را برگزار می‎کنند و هریک که رأی بیشتری آورده دولت را تشکیل می‌دهد، و یا در ‏مجلس اکثریت را‎ ‎بدست می‌آورد؛ لازم است دیگران نیز در امور داخلی عراق دخالت نکنند تا مردم ‏آن کشور‎ ‎زمام امور خویش را بدست بگیرند. استعمارگران به دنبال ایجاد تفرقه‌اند، ما باید‎ ‎اینگونه ‏اختلافات را در ارتباط با مردم عراق از خود دور کنیم‎.‎

مجری: ‎حقیقتاً نمی‌خواهم در ارتباط با این موضوع سخن را بیشتر ادامه بدهم، امّا می‌خواهم‎ ‎این رأی شخصی خودم را بگویم و نمی‌خواهم شما به آن پاسخ بدهید، که تنها پس از پایان‎ ‎حضور ‏اشغالگران است که عراق می‌تواند به استقلال خود برسد و زمام امورش را در دست‎ ‎بگیرد‎.

اینک به دوحه می‌رویم تا از جناب دکتر قرضاوی بپرسیم که: اگر در عراق‎ ‎احزابی شیعی هستند که ‏زیر سلطۀ اشغالگران حکومت می‌کنند، احزابی از اهل سنّت هم‎ ‎هستند که در آن حکومت ‏مشارکت دارند، و این نیز فعالیت زیر پرچم بیگانه است، از طرف‎ ‎دیگر گروه‌هایی از اهل سنّت ‏هستند، و نمی‌خواهم از آنها اسم ببرم و رسانه‌ها از‎ ‎آنها سخن می‌گویند که: به نام اسلام ‏اقداماتی ناصواب را علیه شیعه و غیر شیعه در‎ ‎عراق صورت می‌دهند، آن گروه‌ها هر از چند گاهی ‏اطلاعیه‌های تکفیری از طریق اینترنت‎ ‎منتشر می‌کنند و همگان از این خبر دارند، آیا جلوگیری از ‏این قضیه هم نمی‌تواند در‎ ‎جهت جلوگیری از فتنه و آشوب در عراق و دیگر جاها نقش سازنده‌ای ‏داشته‎ ‎باشد؟‎

‎دکتر قرضاوی: دوست عزیز! ما برای اصل مشارکت احزاب در حکومت اهمیت‎ ‎چندانی قائل ‏نیستیم، زیرا مشارکت در حکومت‌ها، دیدگاه‌هایی سیاسی‌اند که گاهی درست و‎ ‎گاهی نادرست از ‏آب درمی‌آیند؛ برخی از برادران اهل سنّت ما دارای دیدگاه‌های‎ ‎مغایری بودند و دربارۀ آن تجدید‏نظر کردند، برخی مشارکت نموده و عدّه‌ای هم در صف‎ ‎مقابل ایستاده‌اند. امّا چیزی که بر روی آن ‏تأکید می‌ورزیم، برخورداری مردم عراق از‎ ‎حق رویارویی با اشغالگران است، به این پرسش باید ‏پاسخ داده شود که آیا مقاومت‎ ‎موضوعی است مشروع و مطلوب یا نامشروع و محکوم؟‎

بر ماست اعلان کنیم که مردم‎ ‎عراق، همچنین مردم فلسطین و افغانستان و هر ملّت دیگری که ‏کشورش اشغال شده باشد، حق‎ ‎دارند که در برابر اشغالگران مقاومت و ایستادگی کنند؛ این حکم ‏و فرمان اسلام است که‎ ‎هرگاه دشمنان، سرزمینی اسلامی را اشغال کردند، جهاد و مقاومت در ‏برابر ایشان بر‎ ‎مردم آن سرزمین واجب عینی است، و بر دیگرانی که اطرافشان هستند واجب عینی ‏است که‎ ‎ایشان را یاری بدهند؛ این چیزی است که لازم است دربارۀ آن صحبت کنیم، در واقع ‏مسألۀ‎ ‎اصلی مشارکت و عدم مشارکت نیست، مسألۀ روا شمرده‌شدن قتل و کشتار دیگران ‏است، مشکل‎ ‎عراق این است که روزانه قتل عام‌های دسته جمعی صورت می‌گیرد. اگر در میان ‏اهل سنّت‎ ‎هستند کسانی که به خشونت دست می‌زنند ما آن را از همان آغاز محکوم کرده و می‌‏کنیم‎ ‎و (اتحاد جهانی علمای مسلمین) در این رابطه مرتب بیاناتی را صادر کرده است، و من‎ ‎بارها در ‏برنامۀ «شریعت وحیات» تلویزیون الجزیره و خطبه‌های جمعه (در مسجد عمر بن‎ ‎خطاب) از مراجع ‏تقلید عراق و ایران خواسته‌ام که فتواهای قاطعی را در محکومیت قتل و‎ ‎خونریزی متقابل مسلمانان ‏صادر کنند‎.‎

هرچند جناب شیخ هاشمی رفسنجانی می‎خواهد دخالت کشورش در عراق را انکار کند، امّا من ‏بر این باورم که ایران در مورد‎ ‎عراق مسئول است و همگان بر روی این موضوع اصرار دارند که ایران ‏در عراق نفوذ دارد و‎ ‎کلیدهای بسیاری برای حل مشکلات عراق در دست ایران است و اگر بخواهد ‏می تواند در‎ ‎برابر وضع موجود موضعگیری قاطعی داشته باشد. اگر این حقیقت را انکار کنیم، ‏نتوانسته‎ایم در این دیدار کاری مثبت را انجام بدهیم، زیرا هدف اصلی ما این است که همۀ از‎ ‎جاری‌‏شدن روزانۀ جوی خون در عراق جلوگیری کنیم. صدها هزار انسان بی‌گناه عراقی کشته شده‌اند، ‏این وضع تا کی باید ادامه پیدا کند؟، این موضوعی است که لازم است در بارۀ‏‎ ‎آن چاره‌جویی شود‎.

مجری: جناب شیخ اجازه بفرمایید، ما باید جانب حق و‎ ‎انصاف را مراعات کنیم، اکنون به سبب ‏عوامل متعددی ایران در معرض تهدید آمریکا قرار‎ ‎دارد، نظر شما در مورد پاره‌ای از کشورهای ‏اسلامی با اکثریت اهل سنّت چیست که از‏‎ ‎کشوری اسلامی حمایت نمی‌کنند، فراتر از آن گفته ‏می‌شود که به دنبال تحریک بیشتر‎ ‎آمریکا علیه ایران هستند؛ چنین چیزی را چگونه می‌توان ‏پذیرفت؟

‎‎دکتر‎ ‎قرضاوی: پیش از هرچیز باید بگویم: نه اینکه من وکیل مدافع حکومت‌های عربی و غیر‎ ‎عربی نیستم، بلکه بارها و بارها علیه آنها سخن گفته‌ام، امّا مسأله‌ای که برای من‏‎ ‎حائز اهمیت ‏است مسألۀ مردم و توده‌های مسلمان است. درست است که ما در ارتباط با‎ ‎مسألۀ عراق و ‏موضعگیری در مورد اصحاب رسول خدا ج و ترویج شیعی‌گرایی در ممالک‎ ‎صرفاً اهل سنّت با ‏ایرانی‌ها اختلاف داریم، و در اینگونه مسائل مثل هم فکر نمی‎کنیم؛ امّا هرگاه ایران از طرف آمریکا ‏و یا هر کشور دیگری مورد تهاجم قرار بگیرد،‎ ‎به صراحت و روشنی علیه آن موضع خواهیم گرفت، و ‏اجازه نخواهیم داد نه تنها علیه‎ ‎ایران بلکه علیه هیچ کشور مسلمان دیگری تجاوزی صورت بگیرد، ما ‏با جنگ و تجاوزگری‎ ‎به هر صورتی که باشد مخالفیم، چگونه از تعرض به یک سرزمین اسلامی ‏خشنود خواهیم شد؟ من بارها این موضوع را اعلام کرده‌ام و در کنفرانس دوحه نیز گفتم: هرگاه ‏علیه ایران‎ ‎تعرضی صورت بگیرد ما در کنار ایران خواهیم بود و علیه متجاوزان خواهیم ایستاد، زیرا‎ ‎ما ‏در کنار صاحبِ حق خواهیم بود، مگر ایران چه جرمی را مرتکب شده تا مورد تعرض قرار‎ ‎بگیرد، اگر ‏می‌خواهد از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز استفاده کند، این حق اوست، چرا‎ ‎باید جلو او را ‏بگیرند؟ ‌موضع ما در این ارتباط واضح و صریح است و هیچگونه ابهامی در‎ ‎آن نیست‎.‎

مجری: جناب شیخ از شما سپاسگذارم. آقای هاشمی، موضع‌گیری اهل‎ ‎سنّت را در ارتباط با ‏تجاوز احتمالی به ایران شنیدید، تا حدودی همچنان در رابطه با‎ ‎اوضاع عراق خواهیم بود، می‌دانید ‏که علیه حضور آمریکا در عراق مقاومتی وجود دارد و ایران نیز حضور آمریکایی‌ها را اشغالگری می‌داند. ‏من در اینجا عین پرسش مکتوب را‎ ‎مطرح می‌کنم تا برداشت دیگری از آن نشود؛ چرا تا کنون از ‏طرف مراجع شیعی فتوایی مبنی بر ضرورت و وجوب مقاومت در تمامی عراق و در تمامی مناطق ‏سنّی و شیعی صادر نشده‎ ‎و مقاومت موجود در استان الأنبار و بغداد را تأیید ننموده‌اند، هرچند اگر ‏عادلانه‎ ‎بخواهیم قضاوت کنیم باید اذعان نماییم که از طرف برخی از شیعیان نیز مقاومت‌هایی‎ ‎صورت می‌گیرد. چرا چنین فتوایی به طور روشن صادر نمی‌شود؟‎

‎‎هاشمی: فکر می‎کنم ما بارها و بارها و شاید صدها بار مقاومت علیه اشغالگری را تأیید کرده‌ایم ‏و آن‎ ‎را واجب و ضروری دانسته‌ایم، آنچه را ما تأیید نکرده‌ایم جنگ و برادرکشی عراقی‎هاست. از ‏طرف دیگر بدیهی است و شما فراموش نکرده‌اید که کدام طرف شروع کرده، من نمی‎خواهم در ‏این دیدار وارد جزئیات شوم و کاری کنم که آمریکا خشنود شود، از آقای قرضاوی نیز انتظار دارم که ‏چیزهایی را که احیاناً آمریکا مطرح می‌کنند، به میان‎ ‎نکشند، و حقیقت کنار نهاده نشود. مقاومت در ‏برابر اشغالگران حقی است که همۀ مردم‎ ‎عراق از آن برخوردارند. شما حتی یک اقدام تروریستی را ‏که یک نفر ایرانی صورت دهد در‎ ‎عراق مشاهده نمی‌کنید، امّا بسیاری از شهروندان عرب و از ‏کشورهای عربی دستگیر شده‎اند که در اقدامات تروریستی مشارکت داشته‌اند‎.‎

و جناب آقای قرضاوی به خوبی می‌‎داند که آنان از کجا می‌آیند. ما قصد دخالت در امور عراق را ‏نداریم و می‌خواهیم مردم‎ ‎عراق خود سرنوشت خویش را رقم بزنند. ما تمامی اقداماتی را که ‏علیه بارگاه‌ها و‎ ‎حسینیه‌ها و مساجد صورت می‌گیرد محکوم می‌کنیم و بارها و بارها این موضوع ‏را مطرح‎ ‎کرده‌ایم، باید انصاف به خرج بدهیم و اجازه بدهیم مردم عراق از طریق آراء خود‎ ‎رویکرد خود ‏را معلوم کنند، همۀ اقشار مردم عراق باید در حکومت و در سیستم اداری و‎ ‎قانونی بر اساس میزان ‏رأی مشارکت داشته باشند. در این صورت میان مسلمانان و حکومت‌‎های مسلمان اختلافی باقی نخواهد ماند، این موضوعی خردمندانه و مشروع است و جهانیان‎ ‎از آن اطلاع دارند، و تقویت ‏اختلافات در این شرایط تنها به سود آمریکا و اسرائیل‎ ‎تمام خواهد شد‎.‎

مجری: فقط در جهت بیان حقیقت می‌گویم؛ همانگونه که جناب‎ ‎شیخ قرضاوی اظهار داشتند – ‏البته این را هم بگویم که بعد از این پرسش از شما پرسش‎ ‎مشابهی را از ایشان خواهم داشت – ‏همانگونه که می‌دانید در عراق میلیشاها و جوخه‌های‎ ‎مرگ روزانه انسان‌هایی را به سبب پیروی ‏از فلان مذهب می‌کشند! حتّی گاهی به سبب‎ ‎عواملی ساده مانند اینکه: اسم او فلان است! ‏چنین چیزی روی می‌دهد؛ نظر شما در این‎ ‎باره چیست؟ تا جهانیان موضع‌گیری شما را در این ‏رابطه بدانند‎.‎

‎هاشمی: چنین‎ ‎چیزی از هر طرف که صورت بگیرد گناه بزرگی است، نباید خون یک مسلمان و ‏حتی غیر‎ ‎مسلمان در عراق بر زمین ریخته شود، تمامی مردم عراق باید از طریق اجرای قانون از‏‎ ‎امنیت برخوردار شوند، امّا افراطی‌ها با هدف ویژه‌ای به عراق آمده‌اند؛ آمده‌اند تا‎ ‎مانع از آن شوند ‏که مردم عراق خود زمامدار امور خود شوند، و اشغالگران آمریکایی نیز‎ ‎از چنین چیزی اظهار رضایت ‏می نمایند، زیرا زمینه و بهانۀ ادامۀ حضورشان را فراهم می‌کند، به همین خاطر بر ما علمای شیعه ‏و سنّی و تمامی مراکز و شخصیت‌های فکری و‎ ‎فرهنگی در جهان اسلام است که زمینه را برای ‏مردم عراق فراهم کنیم تا زمام امور و‎ ‎سرنوشت خود ر ا بدست بگیرد. دیگر مسایل ارتباطی به ما ‏ندارد زیرا خود آنان از رشد و‏‎ ‎خرد کافی برخوردارند‎.‎

مجری: سؤال بعدی را از دکتر یوسف باید بپرسم، امّا‎ ‎این را بگویم که برخی بر این باورند که اگر از ‏طرف مسئولین و مراجع ایران در‎ ‎محکومیت اقدامات جوخه‌های مرگ فتوایی صادر می‌شد، از ‏اقدامات آنان جلوگیری می‎ ‎کرد‎.‎

‎‎هاشمی: من پاسخ این پرسش را بار دیگر تکرار می‌کنم؛ ما بارها چنین‎ ‎چیزی را حرام شمرده‌‏ایم، دیدگاه تمامی علمای ایران و مقام رهبری این است که چنان‎ ‎اقداماتی شرعاً حرام است و جزو ‏گناهان کبیره است و هرکس مرتکب آنها بشود مستحق آتش‎ ‎جهنم است، از نظر ما همۀ این‌ها ‏روشن هستند، مسلمانان نباید با یکدیگر به جنگ‎ ‎بپردازند، امّا لازم ا ست ببینیم کدام طرف شروع ‏کرده است؟ چه کسی آیة الله حکیم را‎ ‎بعد از بیست سال مبارزه و بازگشت به عراق ترور کرده ‏است؟ ما حتّی بر روی این موضوع‎ ‎چندان تکیه نمی‌کنیم، ما نمی‌خواهیم به گذشته نگاه کنیم و ‏بهتر است به آینده‎ ‎بیندیشیم‎.‎

مجری: جناب دکتر قرضاوی، در مورد مقاومتی که دربارۀ آن صحبت می‎ ‎کنیم، شیعیان می‌گویند: ‏آن‌ها دست به عملیات انفجاری و قتل و کشتار می‌زنند و‎ ‎موضعگیری بعضی از گروه‌ها مانند القاعده ‏و دیگران به ویژه در باره تکفیر شیعیان‎ ‎اقدامی منفی است. آیا شایسته نیست که از طرف شما هم ‏در مورد آنان فتواهای صریح و‎ ‎قاطعی صادر شود؟‎

‎دکتر قرضاوی: پیش از پاسخ به سؤالتان می‌خواهم در مورد‎ ‎این سخن شیخ رفسنجانی که: ‏‏«فلانی می‌داند آنان از کجا می‌آیند» توضیحی بدهم، من‎ ‎اطلاع ندارم آنان از کجا می‌آیند، زیرا ‏وزارتخانه‌ای اطلاعاتی را در اختیار ندارم و نمی‌دانم از کجا می‌آیند، امّا به هر صورت اقدامات ‏خشنونت‌آمیزی که سبب ریخته شدن‎ ‎خون بی‌گناهان می‌شود را محکوم کرده‌ایم، زمانی که ‏آقای باقر حکیم را کشتند من در‎ ‎قاهره بودم، از همانجا آن را محکوم نمودم و گفتم این اقدام حرمت ‏زمان یعنی ماه رجب،‏‎ ‎و حرمت مکان یعنی مسجد، و حرمت انسان را زیر پا نهاده است و تمامی ‏تعرضاتی را که‎ ‎علیه شهر نجف و مرقد دو امام صورت گرفته را محکوم کرده‌ایم، من شخصاً آنها را در‎ ‎خطبه‌های نماز جمعه و در برنامه‌ام (در تلویزیون الجزیره) محکوم کرده‌ام، همچنین‎ ‎اتحاد جهانی ‏علمای مسلمین که من افتخار ریاست آن را بر عهده دارم آنها را محکوم‎ ‎شمرده است. ما اینگونه ‏امور را مردود شمرده و به هیچ وجه تأیید نمی‌کنیم، این‌ها از‎ ‎نظر ما روشن و واضح‌اند، کاش نظر ‏دوستان (شیعه) هم از شفافیت کافی برخوردار بود‎ .‎البته ما نمی‌توانیم مسئولیت اقداماتی را که ‏اینجا و آنجا صورت می‌گیرد را بپذیریم؛‎ ‎آنچه را مورد تأیید قرار می‌دهیم مقاومت در عراق است، ‏اساساً مقاومت در برابر اشغالگر، ‌مقاومت خود عراقی‌هاست، ‌و گمان من این است آنانی که از ‏خارج به مقاومت‎ ‎در عراق ملحق می‌شوند 5 تا 10 درصد بیشتر نیستند‏‎.‎

مجری: ظاهراً من سخنان‏‎ ‎شیخ یوسف را نمی‌شنوم، امّا می‌خواهم بپرسم که وقتی جناب ‏شیخ رفسنجانی آن امور را‎ ‎محکوم می‌کند و شما هم آن را محکوم می‌نمایید، پس مشکل ‏چیست و چرا پیشرفتی روی نمی‌دهد؟ چرا؟ (سؤال را از شیخ یوسف می‌پرسم).

‎‎دکتر قرضاوی: من بر این باورم که‎ ‎از طرف مراجع شیعی در عراق و ایران موضعگیری کافی در ‏جهت محکوم‌کردن آنچه در عراق‎ ‎روی می‌دهد، وجود ندارد و از نظر عملی اقداماتی که از چنان ‏اموری جلوگیری نماید صورت نگرفته است. من اعتقادم بر این است که ایران برای جلوگیری از آنچه ‏در عراق روی‎ ‎می‌دهد از توانایی و نفوذ کافی برخوردار است، و می‌تواند به آن‌ها بگوید: کافی ‏است‎ ‎و دست‌بردار شوید! آقای شیخ رفسنجانی نمی‌خواهد به این واقعیت اعتراف کند، امّا همه‎ ‎بر روی وجود نفوذ و سلطه ایران تأکید دارند و این واقعیتی آشکار است و همگان آن را‎ ‎مشاهده می‌‏کنند. این موضوعی است که ایران توانایی جلوگیری از آن را دارد و می‌تواند‎ ‎به بسیاری از آنان بگوید ‏چنان عمل کنید و چنان اقداماتی را انجام ندهید، چنین اقدام‎ ‎عملی و ملموسی است که مشکل را ‏حل خواهد کرد. ایران می‌تواند آتش فتنه موجود در عراق‎ ‎را خاموش کند و مسلمانان را از این جنگ ‏فرقه‌ای خانمان سوز که تر و خشک را با هم‎ ‎نابود می‌کند، مصون بدارد. جنگی که غالب و مغلوبی ‏در آن وجود ندارد و همۀ ما در آن‎ ‎شکست خورده خواهیم بود. این درست همان مسائلی است که ‏می‌خواهیم به صراحت آن‌ها را‎ ‎بیان کنیم‎.‎

مجری: در واقع تنها پنج دقیقه از وقت برنامه باقیمانده که آن‎ ‎را میان هردوی شما تقسیم می‌‏کنم، من به عنوان یک روزنامه‌نگار و مسلمان عرب می‌شنوم که تمام علما و اندیشمندان بنابر ‏اصطلاحاتی که اهل سنّت بکار می‌گیرند: «‎استعمار و صهیونیزم جهانی» و بنابر واژه‌هایی که ‏اهل تشیع به کار می‌گیرند: «شیطان‎ ‎بزرگ و نیروهای استکباری» را محکوم می‌کنند؛ امّا از درون به ‏خود نگاه نمی‌کنیم، آیا‎ ‎به راستی زمان آن فرا نرسیده که قرائت و نگاه خود را به واقعیت‌ها ‏بازنگری کنیم؟ و‎ ‎اعتراف کنیم که ریشۀ مشکل در بین خود ما مسلمانان است و باید ابتدا اختلاف‌های‎ ‎موجود بین خود را برطرف کنیم و از مهمترین آنها آغاز کنیم؟ در این ارتباط و در مدت 5/2 ‎دقیقه ‏چه چیزی برای گفتن دارید؟ و از نظر شما مهمترین مسائلی که باید قبل از‎ ‎پرداختن به حل و فصل ‏دیگر امور اختلافی به آنها پرداخته شود ودر اولویت قرار دارند،‎ ‎کدام‌اند؟‎

‎‎هاشمی: شما درست به اظهارات قبلی من که در آغاز سخن گفتم برگشتید، اینکه خود ما باید از ‏اتحاد میان خود پاسداری کنیم، از جناب آقای قرضاوی‎ ‎انتظار دارم که اخبار مربوط به ما را بیش از ‏گذشته بخوانند و اظهارات بیان شده از‎ ‎طرف مسئولین ایران را بشنوند، چنانچه اظهارات و تصریحات ‏ما را می‌خواندند با این‎ ‎لحن صحبت نمی‌کردند، موضوع روشن است، پروندۀ اخبار حتی در الجزیره ‏نشان می‌دهد که‎ ‎چه تعدادی از علما و شخصیت‌های ما از مقاومت در عراق حمایت کرده‌اند، و ‏جنگ داخلی‎ ‎را مردود و محکوم شمرده و آن را تحریم کرده و چقدر اشخاصی را نصیحت کرده‌اند که ‏در‎ ‎فکر انتقام‌جویی از طرف مقابل نباشند و دنبال اقدامات آدم‌های جاهل گام برندارند،‎ ‎ما این ‏موضوع را بارها و بارها اعلام کرده‌ایم. من فکر می‌کنم که عامۀ مردم از این‎ ‎موضوع خبر دارند و در ‏روزنامه‌ها موجود است و از جناب آقای قرضاوی انتظار دارم که‎ ‎دیدگاه‌های علمای ما را بیش از ‏گذشته مورد برّرسی قرار بدهند و مطمئن باشند که مابه‏‎ ‎سبب آنچه در میان مردم مسلمان روی ‏می‌دهد و آنچه در عراق می‌گذرد قلبمان می‌سوزد‎.‎

مجری: جناب قرضاوی 5/2 دقیقه وقت دارید به همان سؤالی که با آقای‏‎ ‎رفسنجانی مطرح کردم ‏پاسخ بدهید‎.‎

‎‎دکتر قرضاوی: این دیدار را با بیان مطالبی‎ ‎به پایان می‌برم، اولین مطلب این است که: همه ما ‏موظفیم در مورد پاسداری از وحدت‎ ‎این امّت بسیار بسیار جدّی عمل کنیم و در برابر هرگونه تلاش‌‏های تفرقه‌آمیز‎ ‎ایستادگی نماییم؛ تلاش‌هایی که از مسائلی مانند: نژاد و ملیت که فلان مردم ‏فارس و‎ ‎اینان عرب و دیگری تورانی‌اند، استفاده می‌کنند جلوگیری کنیم، برماست که همه بر حول‏‎ ‎محور وحدت بخش اسلام جمع شویم و اسلام را برتر از مذهب و فرقه به شمار بیاوریم و‎ ‎میهن ‏اسلامی را بر فرقه‌گرایی برتری بدهیم و امت را بالاتر از نژاد و ملیت به شمار‎ ‎بیاوریم، و مصالح ‏مهمتر را بر مصالح کم اهمیت ترجیح بدهیم، ‌ما باید فراتر از این‎ ‎امور عمل کنیم. زمانی که از گفتمان ‏اسلام و مسیحیت استقبال می‌کنیم و با آنها به‎ ‎گفتگو می‌پردازیم و سعی می‌کنیم که با ایشان ‏به تفاهم برسیم، چرا نباید ما مسلمانان‎ ‎برای نزدیک‌شدن هرچه بیشتر به یکدیگر تلاش نماییم؟ ‏چرا از گفتگو میان خود مسلمانان‎ ‎استقبال نکنیم؟ این امّت باید وحدت خود بدست بیاورد، امّتی ‏بزرگ، امّت یک میلیاردونیم مسلمان می‌تواند جایگاه شایسته خویش را بازیابد به شرطی که در ‏راه وحدت و‎ ‎تفاهم و همیاری گام بردارد و از توانایی‌های انسانی و امکانات اقتصادی و میراث‎ ‎تاریخی و متمدنانه و رسالت معنویش به درستی استفاده کند؛ در این صورت می‌تواند از‏‎ ‎زندان ‏عقب ماندگی رهایی یابد و به فضای باز پیشرفت و ترقی همه جانبه وارد شود و از‎ ‎دایره جهان سوم ‏به عرصه جهان اول وارد گردد. این یک موضوع، موضوع دیگر که می‌خواهم‎ ‎به وسیله آن این دیدار را ‏به پایان ببرم این است که مسلمانان در شرق و غرب جهان‎ ‎انتظار دارند که این دیدار و گفتگو به ‏نتیجه عملی و ملموسی بیانجامد، نمی‌خواهند‎ ‎تنها در دایره گفتگوی نظری و حرف‌زدن محدود ‏بماند، زیرا در مورد آنگونه سخنان کمبودی نداریم، انتظار ما این است که در عمل و واقعیت تبلور پیدا ‏کنند و مردم آن‎ ‎عملکرد واقعی را با چشمان و تمامی وجود ببینند و احساس کنند، مردم مسلمان ‏می‌خواهند‎ ‎وضع عراق چیزی غیر از آنچه هست بشود و از قتل و خونریزی روزانه جلوگیری شود و ‎میلیشیاها و جوخه‌های مرگ متوقف شوند، حقوق به صاحبان حق برگردانیده شود، رانده‌شدگان ‏به محل سکونت خود بازگردند، مساجد غصب‌شده به صاحبان آنها بازگردانیده شوند،‎ ‎جلو امواج ‏تلاش برای شیعه‌کردن گرفته شود و بسیاری‎ ‎از امور دیگر که همه از آن رنج می‌برند. ‌اگر قصد داریم ‏مشکل را حل و فصل کنیم باید گفتار را به کردار تبدیل کنیم،‎ ‎در غیر این صورت نشسته و متفرق ‏شده‌ایم و کاری را نتوانسته‌ایم از پیش ببریم، ‌این‎ ‎چیزی است که انتظارش می‌رود‎.‎

در کنفرانس دوحه نیز گفتم که: اندیشه تقریب بین‎ ‎مذاهب در برابر آزمون حساس و سختی قرار ‏دارد، امیدوارم که از آن سربلند بیرون بیاید‎ ‎و به شکست و بن بست نیانجامد و در این آزمون مردود ‏نشود، ‌این چیزی است که در اسرع‎ ‎وقت انتظارش را داریم و از پس امروز فردایی است و آمدن فردا ‏برای کسی که در انتظار‎ ‎آن است چندان دور نیست. ان شاءالله!‎

من به آینده امیدوارم و از خداوند انتظار‎ ‎خیر و نیکی را داریم‎...‎

مجری: در پایان این دیدارم لازم به یادآوری است که‏‎ ‎همچنان پرسش‌ها و مسایل بسیار و ‏متفاوتی باقیمانده که می‌خواستیم آنها را از این دو شخصیت بپرسیم،‌ اما زمان برنامه به سر آمد‏‎.

در پایان این دیدار به غیر از اینکه‎ ‎از جناب آقای هاشمی رفسنجانی و آقای دکتر یوسف قرضاوی ‏کمال سپاس و تشکر را بنمایم،‎ ‎‏‌فرصت دیگری باقی نمانده است. امیدوارم در حد توان و تشخیص ‏خود توانسته باشم با طرح‎ ‎این پرسش‌ها سودی را به همگان رسانده باشم‎.‎

سلام و درود خداوند بر همه شما‎ ‎باد